



Educational Entrepreneurship Model in Universities and Higher Education Institutions in Iran

Touhid Shir Alipour

P.hD., Student, Educational management, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.
alipoor@modares.ac.ir

Hoda Sadat Mohseni Sohi

Assistant Professor, Department of Educational Administration and Planning, Faculty of Education and Psychology, Al-Zahra University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). sadatmohseni@alzahra.ac.ir

Jafar Garhami

Assistant Professor, Department of Educational Management, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran. jafarmn21@marandiau.ac.ir

Abstract

Purpose: One of the distinctive features of successful universities today is their entrepreneurial characteristics, and the absence of this in Iran's higher education system is quite noticeable and tangible. Currently, the universities in the country are facing numerous challenges, including graduate unemployment, brain drain, inadequate student skill training, student demotivation, a quantitative increase in students without a corresponding increase in quality, and limited interaction between the industry and the university. The root of these issues can be attributed to the low level of investment and insufficient focus on various dimensions of entrepreneurship. There is also a tendency to prioritize theoretical knowledge over scientific and practical knowledge, and a lack of emphasis on fostering creativity and innovative abilities in learners. A review of the country's macro policies also reveals that the incorporation of entrepreneurship into educational systems has long been a concern. However, in practice, we have observed a lack of emphasis on this issue by universities. Therefore, the present research was conducted to identify the elements of the educational entrepreneurship model in universities and higher education institutions in Iran and to present a conceptual model.

Method: The current research is applied in terms of its purpose. In terms of data, it is qualitative and based on systematic database theory. In terms of implementation, it is exploratory and based on an inductive approach. The statistical population consists of educational entrepreneurs, educational entrepreneurship policy makers, and entrepreneurship professors from 8 top universities in the country: Tehran University, Tarbiat Modares University, Sharif University, Amir Kabir University of Technology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Isfahan University of Technology, Shahid Beheshti University, and Kerman University of Art. In order to select the sample, a purposeful and conscious approach was used, and sampling was done using the snowball method. The interview was conducted in accordance with the guidelines for 30 to 60 minutes. Sampling was conducted until theoretical saturation was reached, and ultimately, 15 people were interviewed. To collect data, the library method (scanning) and the field method (interview) were

Cite this article: Shir Alipour, T., Mohseni Sohi, H.S. & Garhami, J. (2023). Educational Entrepreneurship Model in Universities and Higher Education Institutions in Iran. *Sciences and Techniques of Information Management*, 9(3): 319-350. <https://doi.org/10.22091/STIM.2023.8851.1897>

Received: 2023-06-28 ; **Revised:** 2023-07-17 ; **Accepted:** 2023-07-27 ; **Published online:** 2023-07-30

© The Author(s).

Article type: Research

Published by: University of Qom.



used. To assess the validity of the findings, three pluralistic methods were employed to test the reliability of the model. These methods included retesting the work process, conducting a reliability test among the coders, and interviewing new participants. Finally, for data analysis, the theoretical coding technique was used in three stages: open coding, central coding, and selective coding.

Findings: The results obtained indicate that a macro view is necessary for educational entrepreneurship in universities, considering the entire model. It cannot be expected that student entrepreneurship will increase if not all aspects are studied. Several factors contribute to the development of an effective model of educational entrepreneurship in universities. Some factors serve as the foundation for educational entrepreneurship, while others act as catalysts for its emergence. Additionally, there are factors that impede its progress. In order to address this issue, it is essential to identify and implement basic strategies. By considering various factors and implementing these strategies, positive outcomes and results in educational entrepreneurship can be achieved.

Keywords: Systematic Model, Educational Entrepreneurship, Data Base Theory, Universities, Higher Education Institutions in Iran, Education.



مدل کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران

توحید شیرعلیپور^{id}

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران. alipoor@modares.ac.ir

هدی سادات محسنی سهی^{id}

استادیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران
(نویسنده مسئول). sadatmohseni@alzahra.ac.ir

جعفر قهرمانی^{id}

استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران. jafarmn21@marandiau.ac.ir

چکیده

هدف: یکی از ویژگی‌های بارز دانشگاه‌های موفق امروزی برخورداری از ویژگی‌های کارآفرینی است که خلاء موجود در این زمینه در نظام آموزش عالی ایران کاملاً محسوس و ملموس است. دانشگاه‌های کشور در حال حاضر با مشکلات عدیده‌ای همچون عدم اشتغال دانش‌آموختگان، فرار مغزها، مهارت‌آموزی کم دانشجویان، بی‌انگیزه شدن دانشجویان، افزایش کمی دانشجویان بدون توجه به کیفیت، و تعامل ضعیف بین صنعت و دانشگاه مواجه هستند، که می‌توان ریشه این مسائل را در پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری و عدم توجه به ابعاد مختلف کارآفرینی، تمرکز بر آموختن دانش نظری به جای دانش علمی، کاربردی، عدم توجه به خلاقیت و توان ابتکاری یادگیرندگان جستجو کرد. نگاهی به سیاست‌های کلان کشور نیز نشان می‌دهد که مسئله کارآفرینی در نظام‌های آموزشی، همواره به عنوان یک دغدغه مورد توجه بوده است، اما در عمل شاهد کم‌توجهی دانشگاه‌ها به این مسئله بوده‌ایم. لذا پژوهش حاضر با هدف شناسایی عناصر مدل کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران و ارائه یک مدل مفهومی انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی، از نظر داده‌ها، کیفی بر مبنای نظریه داده‌بنیاد نظام‌مند، و از نظر نحوه اجرا، اکتشافی بر مبنای رویکرد استقرایی می‌باشد. جامعه آماری متشکل از کارآفرینان آموزشی، سیاست‌گذاران کارآفرینی آموزشی و اساتید حوزه کارآفرینی از ۷ دانشگاه برتر کشور (دانشگاه‌های تربیت مدرس، تهران، صنعتی شریف، شهید بهشتی، فردوسی مشهد، صنعتی امیرکبیر، اهواز) بودند. به منظور انتخاب نمونه، از رویکرد آگاهانه هدفمند استفاده گردید و به شیوه گلوله برفی اقدام به نمونه‌گیری شد. انجام مصاحبه براساس مفاد شیوه‌نامه به مدت ۳۰ تا ۶۰ دقیقه انجام شد. نمونه‌گیری تا حد اشباع نظری انجام شده و نهایتاً با ۱۵ نفر مصاحبه صورت گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای (سندکاوی) و روش میدانی (مصاحبه) استفاده شد. به منظور تعیین اعتبار یافته‌ها از سه روش کثرت‌گرایی شامل بازآزمون روش انجام

استاد به این مقاله: شیرعلی‌پور، ت.، محسنی سهی، ه. س.، قهرمانی، ج. (۱۴۰۲). مدل کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران. علوم

و فنون مدیریت اطلاعات، ۲۹(۳): ۳۱۹-۳۵۰. <https://doi.org/10.22091/STIM.2023.8851.1897>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸

ناشر: دانشگاه قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



کار، آزمون قابلیت اطمینان بین کدگذاران و استفاده از مصاحبه‌شوندگان جدید، برای آزمون قابلیت اطمینان مدل استفاده شد. در نهایت برای تحلیل داده‌ها از فن کدگذاری نظری طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد.

یافته‌ها: مدل کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران دارای ۱۰۸ مقوله فرعی (مفهوم) و ۱۷ مقوله اصلی می‌باشد که مقوله محوری مدل، کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌های ایران است. عوامل زمینه‌ساز شامل آموزش، اعضای هیأت علمی و فرهنگ‌سازی؛ عوامل علی شامل ویژگی‌های فردی، حمایت دولت و ساختار اقتصادی؛ عوامل مداخله‌گر شامل نظام آموزش عالی و کاربرد فناوری‌های نوین؛ راهبردها شامل بازتعریف رشته آموزش در دانشگاه، تجاری‌سازی آموزش، رهبری و مشاوره کارآفرینانه و سیاست‌گذاری پرورش دانشجو، و نهایتاً پیامدها شامل رشد و توسعه کشور، تحقق اهداف نظام آموزش عالی، رفاه اجتماعی، وپویایی اجتماعی بودند.

نتیجه‌گیری: نتایج بدست آمده بیانگر آن است که برای کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها، بایستی با یک دید کلان به موضوع نگریست و کل مدل بدست آمده را مدنظر داشت. نمی‌توان انتظار داشت کارآفرینی در دانشجویان افزایش یابد، ولی همه جنبه‌های بدست آمده را مورد مذاقه قرار نداد. برخی عوامل تشکیل‌دهنده مدل مناسب کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها، زمینه‌ساز حادث شدن کارآفرینی آموزشی هستند، برخی بوجود آورنده آن بوده، و در این بین عواملی نیز مخل هستند، برای تحقق این موضوع باید راهبردهای اساسی شناسایی و پیاده‌سازی شوند تا نهایتاً با توجه به عوامل مختلف و اجرای راهبردها، پیامدها و نتایج مثبت کارآفرینی آموزشی بدست آید.

کلیدواژه‌ها: الگوی نظام‌مند، کارآفرینی آموزشی، نظریه داده‌بنیاد، دانشگاه‌ها، موسسات آموزش عالی ایران، رشته آموزش.

۱. مقدمه

امروزه کارآفرینی به مثابه یک راهبرد پرورش ایده، اندیشه، ابتکار و نوآوری، جهت‌دهی به منابع و سرمایه‌ها، هدایت بازار و مصرف‌کننده، در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته مورد توجه قرار گرفته است. اساساً کارآفرینی و رفتارهای کارآفرینانه در هر حوزه‌ای قابل پیگیری هستند (اعلامی و سایه‌وند، ۱۳۹۹، ص ۴۷). عامل اصلی روی آوردن کشورها به‌ویژه کشورهای صنعتی به کارآفرینی، ابتلاء کشورهای صنعتی به رکود اقتصادی، افزایش نرخ بیکاری و نوسان قیمت در تجارت بین‌الملل است. تحقیقات تجربی نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین فعالیت کارآفرینی و بازده بالای اقتصادی می‌باشد (اووسترَبِک و همکاران^۱، ۲۰۱۰). در عرصه جهانی افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و چرخه‌های اقتصادی، همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت درمی‌آید. بنابراین، کارآفرینی در اقتصادهای در حال توسعه نقش کلیدی دارد (آختر^۲، ۱۹۹۹) و توافق بسیاری درباره اهمیت گسترش و ترویج کارآفرینی به منظور محرک توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال وجود دارد (لینان و همکاران^۳، ۲۰۱۱). کارآفرینی از دیدگاه استیونسن^۴ چنین است: کارآفرینی پیگیری فرصت‌هایی است که فراتر از منابع در دسترس، وجود دارند (هاهن و همکاران^۵، ۲۰۱۹).

اما به تازگی کارآفرینی به یک واژه رایج در حوزه آموزش تبدیل شده و کاربرد آن در ادبیات این حوزه افزایش یافته است. کارآفرینی آموزشی رویکردی است که با توجه به پارادایم‌های کسب‌وکار، شکل گرفته است، فرایندی هدفمند، پویا و اجتماعی است که با شناسایی و ارزیابی فرصت‌ها و خلق ایده‌ای نوآورانه، اقدام به ایجاد و توسعه سازمان‌ها و چشم‌اندازهای آموزشی می‌کند (سایه‌وند، اعلامی و شمس‌مورکانی، ۱۳۹۹). به نظر می‌رسد امروزه بیش از هر زمان دیگری نیاز به فهم بیشتر و دقیق‌تر از کارآفرینی آموزشی و ویژگی‌هایی که یک فرد کارآفرین را از غیرکارآفرین متمایز می‌کنند، وجود دارد (اعلامی و رضایی‌زاده، ۱۳۹۶). یکی از دلایل و ضرورت توجه به کارآفرینی آموزشی، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است؛ به طوری که آمارهای اعلام شده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نشان می‌دهد که بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در کشورهای عضو، افزایش

http://stjm.gom.ac.ir

1. Osterbeek
2. Akhter
3. Linan
4. Hahn

قابل توجهی یافته است (اعلامی و رضایی‌زاده، ۱۳۹۶). لذا لازم است این موضوع به عنوان یک مسأله مورد توجه ویژه قرار گیرد. اگر بتوانیم فرهنگ جامعه را به سوی کارآفرینی پیش ببریم، می‌توانیم در آینده شاهد نسلی باشیم که به جای انتظار تولید شغل از دولت، هر کدام به یک فرد مولد تبدیل می‌شوند و این به معنی تغییر فرهنگ کار در جامعه است (آهنچیان و قرونه، ۱۳۹۸) و این امر محقق نمی‌شود، مگر اینکه آموزش کارآفرینی از مدارس و سپس دانشگاه‌ها آغاز شود. آموزش کارآفرینی به مجموعه فعالیت‌هایی اشاره دارد که در دانشگاه‌ها و یا مدارس صورت می‌گیرد و سرفصل‌های درسی که در برنامه‌های کلاسی فراگیران قرار می‌گیرد، به آن‌ها نحوه‌ی راه اندازی یک کسب و کار را آموزش دهد.

چرایی ارتباط کارآفرینی با آموزش در درجه اول از نظر اقتصادی مدنظر قرار گرفته است. این موضوع در سطح آموزش عالی خوب لحاظ شده است، اما وصل کردن کارآفرینی به آموزش در مقاطع متوسطه و ابتدایی، با مشکلاتی روبرو است. معمولاً به آموزش به عنوان یک پدیده اقتصادی کمتر نگاه می‌شود و قطعاً معیارهای اقتصادی به سختی می‌توانند برای تعیین نتیجه آموزش مناسب باشند، ولی منابع آموزش، اقتصادی هستند، همان منابعی که برای تولید هر محصول دیگری استفاده می‌شوند (اعلامی و سایه‌وند، ۱۳۹۹، ص ۴۷).

پژوهشگران معتقدند که روند جهانی کارآفرینی آموزشی تحت تأثیر کیفیت، پاسخگویی و حمایت محیطی قرار دارد که می‌تواند نظام‌های آموزشی را پویاتر کند؛ به گونه‌ای که فرصت انجام اقدامات کارآفرینی به میزان قابل توجهی افزایش یابد (امری و افی^۱، ۲۰۲۰). در این زمینه با پویا شدن آموزش، دامنه کارآفرینی آموزشی در آموزش عالی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است و به دلیل ارتباطات مستقیم این بخش با توسعه اقتصادی، شاهد مورد توجه قرار گرفتن کارآفرینی آموزشی در نظام‌های آموزشی هستیم (فیچر و تیمان^۲، ۲۰۱۸).

نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ تا ۲۹ ساله در سال ۱۳۹۰، ۲۴ درصد و در گزارش سال ۱۴۰۱ مرکز آمار ایران، درصد بیکاری این قشر به حدود ۲۶ تا ۳۶ درصد افزایش یافته است (حاجی میررحیمی و همکاران، ۱۳۹۴). آمار نرخ بیکاری دانش‌آموختگان نشان‌دهنده مشکلات ساختاری در بازار کار کشور و نامتناسب بودن برنامه‌ریزی در نظام آموزش عالی با نیازهای بازار کار است (زلالی و همکاران، ۱۳۹۴). لذا، بسیاری از متخصصان معتقدند که کارآفرینی یکی از راه‌حل‌های موثر برای خروج از بحران بیکاری است. در سطح بین‌الملل نیز سیاست‌های کلان، دانشگاه‌ها را به سوی

1. Omri & Afi

2. Fichter & Tiemann

توسعه کارآفرینی و افزایش اطلاع در مورد آن سوق داده است (هوبیکوگلو و سانلی^۱، ۲۰۱۵، ص ۱۱۵۷). با اعتقاد به این مسأله که فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها می‌توانند به عنوان کارآفرینان آینده، ایجادکنندگان نوآوری و پویایی در کسب و کارهای تازه باشند (وو، وو و لی^۲، ۲۰۱۷، ص ۱۳۱) در این خصوص دانشگاه‌های برتر دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که از طریق آموزش‌های رسمی دانشگاهی می‌توان کارآفرینی را در بین دانشگاهیان افزایش داد (کانتو و همکاران^۳، ۲۰۱۷) و تلاش کرده‌اند که با تجاری‌سازی دانش، علاوه بر توسعه منابع مالی دانشگاه، دانشجویان را نیز به سمت استفاده از دانش در راه کسب درآمد و سود حاصل از آن سوق دهند (قربانی، ۱۳۹۶).

در مقابل، پژوهشگران معتقدند که ازجمله مشکلات برونداد نظام آموزشی، شکاف بین آموخته‌ها و مهارت‌های کارآفرینی آن‌ها است (ملاعلیا، ۱۳۹۷، ص ۳۲). دانشگاه‌ها می‌توانند با افزایش انگیزه و مهارت فارغ التحصیلان، ترکیب دانش، تجربه و توسعه زیرساخت‌های حمایتی، برای پرورش کارآفرینی گام‌های اساسی بردارند. از فواید کارآفرینی آموزشی می‌توان به توان ایجاد رقابت فرهنگی در میان دانشگاه‌ها برای شناسایی و پر کردن شکاف بین آنچه که بازار می‌خواهد و آنچه در حال حاضر ارائه می‌شود، اشاره کرد (فینی، گریملدی و مویلی^۴، ۲۰۲۰، ص ۱۰۵).

یکی از ویژگی‌های بارز دانشگاه‌های موفق امروزی، برخورداری از ویژگی‌های کارآفرینی است که خلاء موجود در این زمینه، در نظام آموزش عالی کشور کاملاً محسوس و ملموس است. دانشگاه‌های کشور در حال حاضر با مشکلات عدیده‌ای همچون عدم اشتغال دانش‌آموختگان، مهاجرت افراد توانمند، مهارت‌آموزی کم دانشجویان، بی‌انگیزه شدن دانشجویان، افزایش کمی دانشجویان، تعامل ضعیف بین صنعت و دانشگاه مواجه هستند، که می‌توان ریشه این مسائل را در پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری و عدم توجه به ابعاد مختلف کارآفرینی، تمرکز بر آموختن دانش نظری به جای دانش علمی، کاربردی، عدم توجه به خلاقیت و توان ابتکاری یادگیرندگان جستجو کرد. این در حالی است که با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، جوان بودن جمعیت، موضوع اشتغال‌پذیری و کارآفرینی و توسعه الگوهای کارآفرینی، به عنوان یک چالش و مسئله، برای نظام آموزش عالی همچنان مطرح است. نگاهی به سیاست‌های کلان کشور نیز نشان می‌دهد که مسئله

1. Hobikoglu & Sanli
2. Wu, Wu & li
3. Cantu
4. Fini, Grimaldi & Meoli

کارآفرینی در نظام‌های آموزشی، همواره به عنوان یک دغدغه مورد توجه بوده است، اما در عمل شاهد کم‌توجهی دانشگاه‌ها به این مسئله بوده‌ایم.

با توجه به آنچه که مطرح شد، پژوهش حاضر درصدد است که به شناسایی عوامل مؤثر بر کارآفرینی آموزشی و سپس ارائه مدلی مناسب برای تحقق کارآفرینی آموزشی بپردازد. بر این اساس، پژوهش حاضر به صورت کیفی به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که مدل مناسب کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، پرسش‌های فرعی زیر مطرح شده است:

(۱) شرایط علی، زمینه‌ساز، مداخله‌گر، مقوله‌محوری، راهبردها و پیامدهای مدل کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران کدامند؟

(۲) مدل مفهومی کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی چیست؟

۲. مبانی نظری و پیشینه

کارآفرینی آموزشی ازجمله رویکردهایی است که با توجه به پارادایم‌های کسب‌وکارهای نوآورانه شکل گرفته است و به منظور توسعه و پیشرفت نظام‌های آموزشی عمل می‌کند. کارآفرینی آموزشی نوعی از کارآفرینی حوزه آموزش است. لذا، وجه تمایز کارآفرینی آموزشی با سایر انواع آن در جنبه آموزشی بودن آن است (سانلان^۱، ۲۰۱۱). دی‌وسی و همکاران^۲ (۲۰۱۸) ادعان دارند که نتایج زیادی در مورد اهمیت آموزش کارآفرینی در آموزش بدست آمده است و بیشترین تاکید بر روش‌ها، فنون، مدل‌ها و راهبردهای مورد استفاده در آموزش کارآفرینی است. هاهن و همکاران (۲۰۱۹) نیز تاکید دارند که هر دو نوع آموزش کارآفرینی (انتخابی در مقابل اجباری) از شخصیت فراگیران متأثر می‌باشد. کارآفرینی آموزشی عملی است که کارآفرین متخصص تعلیم و تربیت انجام می‌دهد. کارآفرین آموزشی فردی است که مشکلات تخصصی موجود در کشور را تشخیص می‌دهد و از مفاهیم کارآفرینی برای سازماندهی، ایجاد، و مدیریت سرمایه برای ارائه آموزش‌های موردنیاز جامعه استفاده می‌کند. در حالی که کارآفرینان تجاری معمولاً به بررسی بازدهی و سود بازگشتی می‌پردازند. کارآفرینان آموزشی معمولاً گروه‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی ایجاد می‌کنند. کارآفرین آموزشی به حل مشکلی می‌پردازد که واقعاً مشکل جامعه بوده و برای حل آن تقاضایی وجود دارد و نیاز حال و

1. Scanlan

2. Deveci

آینده جامعه است. قرار است برای حل مشکل فرایندی تولید شود که مراحل آموزش را با جزئیات و اولویت‌ها تشریح کند. این فرایند می‌تواند خدمات آموزشی باشد، یا راه‌اندازی یک مرکز آموزش حرفه‌ای؛ در فرایند کارآفرینی محصول و نیاز هر چیزی که هست، باید بازاری داشته باشد و حداقل بخشی از جامعه، علاقه‌مند به استفاده از آن باشند و علاقه‌ای برای پرداخت هزینه‌های محصول وجود داشته باشد؛ قرار نیست کارآفرین آموزشی علاقه‌ای نشان دهد و آموزشی را ارائه کند که واقعاً مورد نیاز جامعه نیست. پس امکان‌سنجی و انتخاب دقیق نیازها، اهمیت حیاتی دارد.

عمر آتالای و یمینی^۱ (۲۰۱۷)، کارآفرینی آموزشی را به عنوان فرایند شناسایی یک مشکل آموزشی می‌دانند که با روشی خلاقانه حل می‌شود؛ به گونه‌ای که بر ارزش محیط اطراف (زمینه خرد) و همچنین آموزش گسترده‌تر (سطح کلان) می‌افزاید. این تعریف حاکی از آن است که کارآفرینی آموزشی به معنی ابداع روش‌های خلاقانه برای حل مشکلات آموزشی است. کاپ^۲ (۲۰۰۵) در تحلیل خود درباره کارآفرینی آموزشی، از آن به عنوان یک فرایند یادگیری یاد کرده و بیان می‌کند که مطالعه بیشتر در این خصوص ممکن است ابعاد کاملاً جدیدی از کارآفرینی آموزشی را به نمایش بگذارد. بر این اساس، کاکرویس و کتیکیدیس^۳ (۲۰۱۲) استدلال می‌کنند که بخشی از فرایند ایجاد کارآفرینی آموزشی، تئوری‌های کارآفرینی، به همراه یادگیری کارآفرینی است. کارآفرینی آموزشی فرایندی است که لازمه آن برنامه‌ریزی در نظام آموزشی و پژوهشی بوده و اجرای برنامه آن از سطح مدارس در مقاطع ابتدایی تا مقاطع بالای تحصیلی در دانشگاه گسترده شده است، که باعث می‌شود فراگیران با استفاده از تخصص، قدرت ابتکار، خلاقیت، فرصت‌ها و توانمندی‌ها، اشتغال پایدار و درآمدزایی داشته باشند (کاکرویس و گیورگیداس^۴، ۲۰۱۶).

روند ظهور نهضت کارآفرینی آموزشی از اوایل قرن ۲۱ شروع شده است و صاحب‌نظران مختلفی به صورت پراکنده به بررسی و پژوهش در این خصوص پرداخته‌اند. در ادامه به برخی از تحقیقات انجام شده توسط صاحب‌نظران داخلی و خارجی که به طور خاص به کارآفرینی آموزشی پرداخته‌اند، اشاره می‌شود:

سایه‌وند و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی دریافتند که رقابت کم و گستردگی حوزه آموزش،

1. Omer Attali & Yemini

2. Cope

3. Kakouris & Ketikidis

4. Kakouris & Georgiadis

توجه به آموزش و پرورش به عنوان کلید توسعه جامعه، تمایل به خصوصی و رقابتی شدن آموزش، ارزشمندی یاددهی و یادگیری برای فرد و جامعه، نقش فناوری‌های نوین و نقش یادگیری در اقتصاد دانش‌بنیان، به عنوان فرصت‌های کارآفرینان آموزشی و عدم وجود قوانین مشخص، اولویت نبودن آموزش برای مردم و سازمان‌ها به دلیل ضعف اقتصادی جامعه، ضعف فرهنگ کارآفرینی در حوزه آموزش، سرمایه‌گذاری کم در حوزه آموزش، آشنا نبودن به دانش روز و فناوری، ازجمله تهدیدهای کارآفرینان آموزشی ایرانی به‌شمار می‌آیند.

نتایج پژوهش سلطان‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) نیز منجر به شناسایی عوامل ساختار اقتصادی، ساختار فرهنگی، ساختار اجتماعی، ساختار آموزشی، ساختار محیط بیرونی، ویژگی‌های فردی به عنوان عوامل موثر بر کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌های دولتی کشور شده است.

عبدالهی، پرسته قمبرانی و رحمتی (۱۳۹۹)، در پژوهشی پیرامون تاثیر کارآفرینی آموزشی معلمان بر کارآفرینی دانش‌آموزان، به این نتیجه رسیدند که آموزش کارآفرینی به دانش‌آموزان می‌تواند به رشد فردی و در نهایت به توسعه جامعه در آینده کمک نماید.

همچنین مرادیان، سلیمی و جهانیان (۱۳۹۹)، در پژوهشی مولفه‌های انتشارات، گواهی ثبت اختراع، قرارداد پژوهشی، فرهنگ سازمانی، مدیریت کلان و ساختار سازمانی را به عنوان عوامل اثرگذار، و دانشجو، محتوای درسی، کسب‌وکار زایشی، منابع مالی، اساتید و مدیریت کلان را به عنوان عوامل اثرپذیر بر توسعه کارآفرینی آموزشی در نظام آموزش عالی شناسایی کردند.

فینی^۱ و همکاران (۲۰۲۰)، در مطالعه‌ای گزارش کردند که مقررات و قوانین دانشگاه، تاثیر مثبت و معناداری بر کارآفرینی آموزشی دارد. رنجیا (۲۰۱۹)، در پژوهشی گزارش کرد که عوامل موثر بر کارآفرینی آموزشی در نظام‌های آموزشی در بعد داخلی شامل مدیریت، ساختار سازمانی و فرهنگ تیم‌پذیری و در بُعد بیرونی شامل وضعیت اقتصادی، نگرش و حمایت‌های دولت و مردم است.

هاپ و همکاران^۲ (۲۰۱۷)، نیز در تحقیقی نشان دادند که برای توسعه رویکردهای کارآفرینی در آموزش عالی، نیازمند ایجاد اهداف راهبردی مبتنی بر چشم‌انداز مطلوب به آینده و ایجاد ساختارهای تحلیلی که بتوان برای کسب‌وکار و رویکرد کارآفرینی به آموزش و یادگیری به کار بست، هستند.

1. Finny

1. Rengiah

2. Hoppe, Westerberg & Leffler

وارد^۱ (۲۰۱۶)، گزارش کرد که توسعه خدمات آموزشی جدید در راستای آموزش کارآفرینی فناوری در نظام آموزش عالی، نیازمند ایجاد مرکز نوآوری و کارآفرینی، پرورش استادان و مدرّسان کارآفرینی فناوری و طراحی و توسعه برنامه‌های دوره‌های کارآفرینی فناوری است.

دین و همکاران^۲ (۲۰۱۶) نشان دادند که برنامه کارآفرینی که توسط دانشگاه ارائه شده، در افزایش مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان بسیار مؤثر بوده است، همچنین مشخص شد که رابطه قوی بین طرح کسب‌وکار، تفکر ریسک‌پذیر و همچنین خودکارآمدی و اثربخشی برنامه وجود دارد.

در مطالعه هس و هاسل^۳ (۲۰۱۵) نیز کاهش بوروکراسی در سطوح مختلف نظام آموزش عالی، افزایش سواد اطلاعاتی، افزایش فناوری آموزشی، تمرکززدایی، و جلب اعتماد ذینفعان نظام آموزش عالی، به عنوان راهکارهای توسعه کارآفرینی آموزشی شناسایی شد.

هادی، واکي و کاهایا^۴ (۲۰۱۵) نشان دادند که دانشجویان نیاز به برنامه‌های آموزشی برای مشارکت در تجارت و کسب‌وکار دارند. این مهم می‌تواند فرصتی برای افزایش علاقه دانشجویان، در راستای کارآفرینی ایجاد کند.

مارتین و ایوکو^۵ (۲۰۱۴)، گزارش کردند که کارآفرینی آموزشی در راستای آموزش سازگاری حرفه‌ای، خودکارآمدی حرفه‌ای، مهارت شبکه‌سازی، مهارت کار تیمی قابل تبیین است. همچنین وجود فرهنگ حمایتی در بستر نظام آموزش عالی به منظور ایجاد فضای باز و توسعه‌ای برای هموارسازی توسعه کارآفرینی آموزشی، ضروری است.

با بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده می‌توان به جرأت گفت که پژوهش‌های مزبور صرفاً به بررسی رابطه کارآفرینی آموزشی با سایر متغیرها یا شناسایی عوامل مؤثر بر کارآفرینی آموزشی پرداخته‌اند و عمده پژوهش‌های انجام شده نیز در حوزه آموزش کارآفرینی است و لذا در خصوص کارآفرینی آموزشی تاکنون پژوهشی به طراحی و ارائه مدل نپرداخته است که ضرورت دارد ابتدا صاحب‌نظران و پژوهشگران، مدلی برای کارآفرینی آموزشی تدوین کنند و سپس با بکارگیری آن مدل، به بررسی‌های همبستگی و میدانی با سایر متغیرها بپردازند. بر این اساس، ارائه و تدوین مدل کارآفرینی آموزشی به‌صورت نظام‌مند، و شناسایی مقوله‌ها و شرایط بوجود آورنده کارآفرینی آموزشی،

1. Warda
2. Din, Anuar & Usman
3. Hess & Hassel
4. Hadi, Wekke & Cahaya
5. Martin & Iucu

یک کار نو و جدیدی می‌باشد که پژوهش حاضر به دنبال تحقق آن است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر داده‌ها، کیفی مبتنی بر رویکرد داده‌بنیاد نظام‌مند؛ از نظر روش اجرا، اکتشافی مبتنی بر رویکرد استقرایی است. از آنجا که ادبیات پژوهش پیرامون موضوع کارآفرینی آموزشی از غنای لازم برخوردار نیست و دانش موجود در مورد آن محدود است، و از طرف دیگر هدف این پژوهش ارائه یک نظریه جدید در زمینه کارآفرینی آموزشی بوده که تاکنون در جوامع پژوهشی مطرح نشده است، لذا، از نظریه داده‌بنیاد به منظور نظریه‌پردازی پیرامون کارآفرینی آموزشی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش، کارآفرینان آموزشی، سیاست‌گذاران کارآفرینی آموزشی، اعضای هیئت علمی حوزه کارآفرینی، به ویژه کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌های دولتی برتر کشور (دانشگاه‌های تربیت مدرس، تهران، صنعتی شریف، شهید بهشتی، فردوسی مشهد، صنعتی امیرکبیر، اهواز) بودند. جامعه موردنظر براساس چندین معیار شامل آگاهی و اطلاعات در زمینه کارآفرینی آموزشی، برجستگی و صاحب‌نظر بودن در دانشگاه‌ها، داشتن آثار علمی در زمینه موضوع، مدرس دوره‌ها و کارگاه‌های کارآفرینی و کارآفرینی آموزشی، صاحب‌نظر و کارشناس بخش آموزش در نهادهای رسمی و غیردولتی و دانشگاه‌ها، به عنوان خبره تعیین شدند. با توجه به اینکه پژوهش حاضر کیفی و اکتشافی است، از روش نمونه‌گیری آگاهانه (غیراحتمالی) استفاده شد و از آنجا که محقق برای ورود واحدهای نمونه‌گیری به نمونه، ویژگی‌های خاصی از آنها را در نظر گرفته است، لذا از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در راستای انتخاب هدفمند نمونه، با توجه به اینکه محقق با تمام افراد حوزه کارآفرینی آموزشی آشنایی نداشت، لذا به روش گلوله برفی از طریق برخی افراد این حوزه، به افراد دیگر دسترسی پیدا کرده و با آنها مصاحبه شد. بر این اساس، ابتدا محقق دو نفر از خبرگان حوزه کارآفرینی آموزشی از دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه فردوسی را شناسایی و پس از مصاحبه، از آنها درخواست نمود تا افراد دیگری را معرفی کنند و بدین ترتیب نفرت بعدی شناسایی شدند و این موضوع تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. مصاحبه با نمونه به صورت حضوری و به مدت ۳۰ الی ۶۰ دقیقه انجام شد. تعداد ۵ مصاحبه یادداشت‌برداری و ۱۰ مصاحبه ضبط و سپس پیاده‌سازی شد. در مجموع با بکارگیری رویکرد گلوله برفی، با ۱۵ نفر مصاحبه انجام شد و نظرات آنها مبنای تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱- مشخصات جامعه آماری پژوهش

گروه‌ها	رشته/تخصص	محل کار	تعداد نمونه
هیئت علمی، سیاست‌گذار آموزشی، کارآفرین آموزشی	مدیریت آموزشی مدیریت آموزش عالی	تربیت مدرس	۵
		صنعتی شریف	۲
		شهید بهشتی	۱
		فردوسی	۱
	مدیریت دولتی	تهران	۳
		صنعتی امیرکبیر	۲
	حسابداری، مدیریت	اهواز	۱

به منظور جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. برای تعیین اعتبار یافته‌ها، از سه روش کثرت‌گرایی استفاده شد. بازآزمون روش انجام کار با ۸۹ درصد پایایی، آزمون قابلیت اطمینان بین کدگذاران با ۸۱ درصد و استفاده از مصاحبه‌شوندگان جدید برای آزمون قابلیت اطمینان مدل با ۸۳ درصد پایایی، حکایت از قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها داشت. نتایج اعتبارسنجی یافته‌ها به شرح جدول (۲) است.

جدول ۲- اعتباریابی یافته به روش کثرت‌گرایی

روش	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون
مصاحبه شونده	۱۳۹	۵۸	۲۵	٪۸۳
روش انجام کار	۱۱۲	۵۰	۲۲	٪۸۹
بین کدگذاران	۱۰۴	۴۲	۲۹	٪۸۱

پس از جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز، به مدد نظریه داده‌بنیاد^۱ در قالب کدگذاری مفاهیم و مقوله‌ها، مدل اجرایی کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران بدست آمد. در بخش کدگذاری از روش کوربین و اشتروس^۲ (۲۰۱۴) استفاده شد که رویکردی نظام‌مند را پیشنهاد می‌کنند. مهم‌ترین بخش کار در تحلیل داده‌های پژوهش، کدگذاری می‌باشد که طی سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) به شرح شکل (۱) انجام شده است.

کدگذاری باز:^۳ مصاحبه‌ها پیاده و داده‌ها یکسان‌سازی شدند و مطابق با ادبیات نظری پژوهش،

1. Grounded Theory

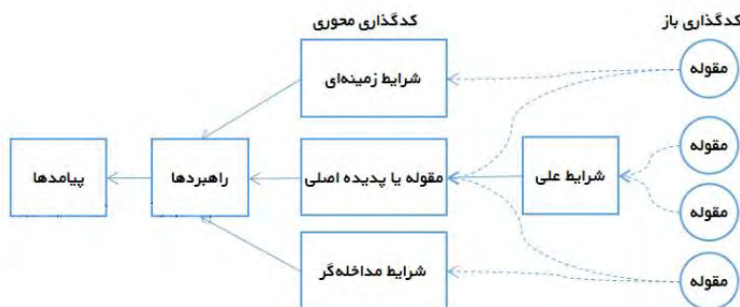
2. Corbin & Strauss

3. Open coding

اصطلاحات علمی برای آنها انتخاب شد و فهرستی از مفاهیم بدست آمد. سپس مفاهیم بدست آمده مقوله‌بندی شدند.

کدگذاری محوری:^۱ مقوله‌های بدست آمده در قالب شش عامل پارادایمی مدل کوربین و اشتروس، به یکدیگر مرتبط شدند. با این کار بین کدهای تولید شده در کدگذاری باز، رابطه برقرار شد.

کدگذاری انتخابی:^۲ در این مرحله که مرحله اصلی نظریه‌پردازی است، مقوله محوری به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده شد، روابط در چارچوب یک روایت و داستان، به‌طور روشن بیان گردید و مقوله‌هایی که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز داشتند، اصلاح شدند. به عبارت دیگر، در مرحله کدگذاری انتخابی، فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود و پالایش مقوله‌ها انجام شد. به این ترتیب که محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص بین مقوله‌ها، آن‌ها را برای ارائه و شکل‌دهی یک نظریه تنظیم نمود که این امر از طریق کشف مقوله مرکزی امکان‌پذیر گردید.



شکل ۱- ارائه الگوی پارادایمی در نظریه داده‌بنیاد با رویکرد کوربین و اشتروس (۲۰۱۴)

۴. یافته‌های پژوهش

با توجه به پرسش‌های مطرح شده در پژوهش حاضر، پژوهشگر به مدد نظریه داده‌بنیاد نظام‌مند و با اعمال روش کدگذاری، پاسخ پرسش‌ها را به شرح زیر ارائه نموده است.

● شرایط علی، زمینه‌ساز، مداخله‌گر، مقوله محوری، راهبردها و پیامدهای مدل کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران کدامند؟

1. Axial coding

2. Selective Coding

شرایط علی: نتایج بدست آمده در خصوص پرسش اول حکایت از آن دارد که کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها نیازمند توجه به عوامل حادث شدن کارآفرینی آموزشی است.

در این پژوهش ۳ مقوله اصلی و ۲۲ مقوله فرعی شامل: ویژگی‌های فردی (۱۲ مقوله فرعی)، حمایت دولت (۷ مقوله فرعی) و ساختار اقتصادی (۳ مقوله فرعی) به عنوان عوامل علی مدل کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها شناسایی شده است. به این معنی که اگر در مراکز آموزشی قصد داریم کارآفرینی آموزشی در بین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های آموزش‌محور (منظور رشته‌هایی است که به آموزش و تربیت مدرس می‌پردازند، مانند آموزش ابتدایی، آموزش زبان انگلیسی، رشته آموزش بزرگسالان و سایر موارد) را افزایش دهیم، باید به ویژگی‌های فردی دانشجویان توجه کرد.

همان‌طور که در تحقیقات مختلف آمده است، ویژگی‌های فردی می‌تواند ذاتی یا اکتسابی باشد، لذا آن دسته از ویژگی‌هایی که ذاتی هستند، باید در انتخاب و گزینش دانشجویان به عنوان پیش‌شرط ورود به رشته آموزش لحاظ گردند و افرادی برای تحصیل انتخاب شوند که ویژگی‌های فردی در این زمینه را دارا بوده و از طرف دیگر ویژگی‌هایی که اکتسابی هستند، در دانشگاه به آنها آموزش داده شود.

به عنوان نمونه باید دانشجویان را طوری تربیت کرد که قدرت خلاقیت و نوآوری آنها افزایش یابد، یا قدرت خطر کردن آنها را با محتوای درسی عملی و مهارتی افزایش داد. در کنار توجه به ویژگی‌های فردی، حمایت دولت و ساختار اقتصادی نیز ازجمله مسائلی هستند که نقش مهمی در حادث شدن کارآفرینی آموزشی دارند. در حال حاضر دولت و زیرمجموعه‌های آن به عنوان متولیان آموزش عالی کشور و اشتغال و کارآفرینی، رشته آموزش را در حد اشتغال در آموزش و پرورش و نهایتاً اشتغال در بخش آموزش و بهسازی منابع انسانی صنایع تعریف کرده‌اند و دانشگاه‌ها بر این اساس دانشجو تربیت می‌کنند. حمایت دولت باید به سمت پشتیبانی همه‌جانبه از فارغ‌التحصیلان رشته آموزش برای اشتغال و کارآفرینی در بخش خصوصی پیش برود. دولت باید در جهت ایجاد دانشگاه کارآفرین و حمایت از ایده‌آفرینی، سیاست‌های خود را تنظیم کند و شبکه‌های اطلاع‌رسانی از راه‌اندازی مشاغل کارآفرینانه ایجاد نماید، تا فارغ‌التحصیلان و فعالان حوزه آموزش، از آخرین تحولات آگاه شوند. همچنین ساختار اقتصادی باید حمایت‌کننده فعالیت‌های کارآفرینانه باشد و در راستای توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان دانشجویی حرکت کند. بنابراین، توجه به این عوامل برای افزایش کارآفرینی آموزشی ضرورت دارد.

جدول ۳- کدهای باز و محوری مرتبط با شرایط علی

کدهای محوری	کدهای باز	
	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
شرایط علی	علی ۱: ویژگی‌های فردی	خطرپذیری و ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی، خلاقیت و نوآوری، انگیزه موفقیت بالا، اعتماد به نفس، خود کنترلی، تحمل شنیدن و درک ایده‌های مخالف، نوع‌دوستی و هم‌تراز بودن با دیگران، برداشت مثبت از رویدادها، نترسیدن از اشتباهات و شکست، اصرار بر حل مشکلات توسط خودشان، داشتن روحیه کمال‌جویی
	علی ۲: حمایت دولت	ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی برای آگاهی فعالان، کارآفرینی از ایده‌های کارآفرینانه دانشگاهیان، حمایت تمام‌قد مسئولان دولتی از کارآفرینان در همه سطوح، ایجاد شرایط عملیاتی نمودن ایده‌های خلاق و نوآوری، تغییرات بنیادین در نظام آموزشی با رویکرد اشتغال‌آفرینی، سیاست‌گذاری با جهت‌دهی به سمت کارآفرینی دانشگاهی، توسعه اقتصادی و چرخش مالی در حوزه‌های کارآفرینانه به جای مشاغل کاذب
	علی ۳: ساختار اقتصادی	سرمایه‌گذاری در حوزه‌های کارآفرینی و اشتغال‌آفرینی، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان دانشجویی، حمایت مالی از ایده‌های خلاق و نوآور

عوامل زمینه‌ساز: معمولاً تحقق هر عملی نیازمند بستر مناسب برای به فعلیت درآمدن است. در این پژوهش شرایط زمینه‌ساز تحقق کارآفرینی آموزشی شناسایی شده است که شامل ۳ مقوله اصلی و ۱۶ مقوله فرعی می‌باشد: آموزش (۵ مقوله فرعی)، اعضای هیئت‌علمی (۴ مقوله فرعی) و فرهنگ‌سازی (۷ مقوله فرعی). یکی از عوامل مهم و بسترساز کارآفرینی آموزشی، آموزش مبحث کارآفرینی و آموزش‌های تخصصی مهارت‌محور است. در راستای این مقوله، باید مؤلفه‌های کارآفرینی به دانشجویان آموزش داده شود، کارگاه‌ها و دوره‌های تخصصی کارآفرینی در حوزه آموزش برگزار گردد، برای تقویت روحیه کارآفرینی دانشجویان، برنامه‌ریزی عملیاتی انجام شود، در خصوص کسب‌وکار، فضای مجازی، گردش مالی، آموزش عملی به دانشجویان ارائه شود، زمینه‌هایی که می‌تواند منجر به درآمدزایی در آموزش گردد، به دانشجویان نشان داده شود. یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز برای کارآفرینی آموزشی، اساتید و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه در رشته‌های آموزش می‌باشند. نمی‌توان بدون توجه به مدرسان و اساتید دانشگاهی که یکی از سه ضلع اصلی فرایند آموزش هستند، کارآفرینی آموزشی را بهبود داد. لذا باید از اساتید باکیفیت و ماهر در این حوزه استفاده شود، تا ضمن اینکه تهییج‌کننده و تشویق‌کننده کارهای نوآورانه باشند، به دنبال شناسایی فرصت‌ها و معرفی آنها به دانشجویان نیز باشند. در آخر نیز مسئله فرهنگ مردم است. ما به کرات در بین اقوام و نزدیکان دیده و شنیده‌ایم که دوست دارند فرزندان‌شان تحصیلات عالی داشته باشند و در

نهایت در دستگاه‌های دولتی استخدام شوند، اما این رویه بسیار غلط است که در بین مردم کشور ما حاکم شده است. باید از طریق برنامه‌های مستمر و بلندمدت، به دنبال تغییر این فرهنگ بود. باید فرهنگ کار جمعی، نوآورانه و مستقل از شاکله سیستم دولتی شکل بگیرد و همه آحاد جامعه از آن حمایت کنند. باید نگرش والدین و دانشجویان به موضوع اشتغال دولتی تغییر کند و بفهمند که سیستم دولتی یک سیستم راکت و غیرقابل انعطاف است که یک‌سری قوانین از بالا به پایین بر آن حاکم بوده و اراده‌ای برای فرد مستخدم قائل نیست. باید به دنبال ایجاد شغل برای خود باشند و عده‌ای دیگر را نیز ذیل فعالیت خود بسیج کنند که هم استقلال‌شان حفظ شود و هم اینکه بتوانند ایده‌های نوآورانه و پویای خود را پیاده کنند و از آن درآمد خوب کسب نمایند، نه اینکه به یک حداقل حقوق سیستم دولتی دلخوش کنند. لذا فرهنگ‌سازی به عنوان یکی از فعالیت‌های بستر ساز کارآفرینی آموزشی باید در دستور کار قرار گیرد.

جدول ۴- کدهای باز و محوری مرتبط با شرایط زمینه

کدهای محوری	کدهای باز	
	مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی
عوامل زمینه‌ساز	زمینه ۱: آموزش	آموزش مؤلفه‌های کارآفرینی به دانشجویان حوزه آموزش، برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های تخصصی کارآفرینی در حوزه آموزش، توسعه روحیه کارآفرینی در دانشجویان، آموزش‌های عملی در زمینه کسب و کار، فضای مجازی، گردش مالی، آموزش و شناساندن حوزه‌های درآمدزا در زمینه خدمات آموزشی
	زمینه ۲: اعضای هیئت علمی	تشویق اساتید برای حمایت از خلاقیت و نوآوری دانشجویان رشته آموزش، فراهم‌سازی فرصت تعامل اساتید با شبکه‌های کارآفرینی آموزشی، حمایت از طرح و ایده‌های کارآفرینانه اساتید حوزه آموزش، شناسایی و استخراج زمینه‌های کار و خدمات قابل ارائه آموزشی به جامعه توسط اساتید
	زمینه ۳: فرهنگ‌سازی	تغییر در اراده جمعی، فرهنگ حمایت از کارآفرینی و نوآوری، فرهنگ پذیرش ایده‌های نو، گسترش فرهنگ خرد جمعی، تغییر در نگرش نسبت به شغل و آینده افراد و بچه‌ها، تغییر بینش در خانواده‌ها نسبت به استخدام دولتی، تعلیم و تربیت با هدف مهارت‌آموزی و اشتغال‌آفرینی بعد از فارغ‌التحصیلی

<http://stjm.gom.ac.ir>

عوامل مداخله‌گر: پیش‌آمد هر اتفاقی، عواملی هستند که می‌توانند مانع باشند، یا عاملی تسهیل‌گر برای تحقق بیشتر پدیده اصلی باشند. این عوامل نقشی دوگانه دارند که بسته به نوع برخورد ما با آنها، نقش خود را ایفا می‌کنند. در این پژوهش ۲ عامل مداخله‌گر با ۱۴ مقوله فرعی شامل: نظام آموزش عالی (۸ مقوله فرعی) و کاربرد فناوری‌های نوین (۶ مقوله فرعی) شناسایی شد. نظام آموزش عالی یکی از عواملی است که مانع یا تسهیل‌گر است. از جمله مواردی که باید به آنها توجه شود، فاصله نیاز

بازار کار و دانشگاه و فارغ التحصیلان آن است. این موضوع تکراری که دیگر بر هیچ کارفرمایی پوشیده نیست و بارها به دانشگاه‌ها نیز منتقل شده است که فارغ التحصیلان دانشگاهی مناسب استخدام در صنایع و شرکت‌های فعال در سطح جامعه نبوده و از دانش و مهارت کافی برخوردار نیستند. این نکته عمده‌ترین ضعف دانشگاه‌های کشور است که باید فکری به حال آن شود. نظام آموزشی و سرفصل و محتوای آموزشی رشته‌های مختلف، بویژه رشته مورد بحث این پژوهش (آموزش)، در کارگروه‌ها و شوراهای بالادستی تصمیم‌گیری می‌شوند، بدون اینکه نظری از کارفرمایان بگیرند. لذا، نیازمندی آن‌ها را نمی‌توانند تأمین کنند. مسأله نظام آموزش عالی می‌تواند با تغییر رویه به یک نظام کارآمد تبدیل شود، و یا اینکه با این وضعیت به حیات خود ادامه دهد که عملاً نمی‌تواند دردی را از جامعه درمان کند. عامل مداخله‌گر دیگر، کاربرد فناوری‌های نو و جدید در راه‌اندازی کسب‌وکارهای نو می‌باشد. در حال حاضر فناوری به گوشه‌گوشه زوایای زندگی مردم نفوذ کرده است و مردم بدون آن نمی‌توانند و شاید نخواهند امورات جاری زندگی‌شان را به شیوه‌ای غیر از شیوه‌های نوآورانه و همراه با فناوری‌های جدید انجام دهند. لذا این مسأله هم می‌تواند به کارآفرینی آموزشی دانشجویان کمک کند، یا سدی در مقابل آن شود که به حیات کسب‌وکار پایان دهد و باید دانشجویان به آن توجه ویژه‌ای بکنند.

جدول ۵- کدهای باز و محوری مرتبط با شرایط مداخله‌گر

کدهای محوری	کدهای باز	
	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
عوامل مداخله‌گر	مداخله‌گر ۱: نظام آموزش عالی	فاصله دروس دانشگاهی و واقعیت کار و اشتغال در جامعه، تأکید بر اشتغال رسمی در نگاه سنتی احاد جامعه، ضعف نظام آموزشی، نظام آموزشی متمرکز در آموزش عالی در خصوص سرفصل و محتوای آموزشی، بینش سنتی اساتید و مدیران آموزش عالی نسبت به کاربرد رشته‌های آموزش در جامعه، عدم آگاهی اساتید به مقوله کارآفرینی آموزشی، عدم وجود محتوای قابل ارائه به دانشجویان رشته آموزش، جهت‌آشنایی با مشاغل فعلی ایجاد شده، عدم پیگیری و تدوین محتوای روزآمد در خصوص ایده‌های کارآفرینی آموزشی توسط اساتید
	مداخله‌گر ۲: کاربرد فناوری‌های نوین	به کارگیری مدیریت فناوری در دانشگاه، استفاده از دانش و فناوری روزآمد مرتبط با رشته‌های آموزش در دانشگاه، شناسایی و بسترسازی مناسب برای فناوری نوین حوزه آموزش و یادگیری، استفاده از فناوری‌های فضای مجازی و اینترنت در یادگیری و آموزش، شبکه‌سازی بین خدمت‌دهنده و خدمت‌گیرنده، بهره‌گیری از شبکه‌های مدیریت مبتنی بر وب

مقوله محوری: نتایج بدست آمده در خصوص پدیده محوری مدل کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران حکایت از آن دارد که خود واژه و مفهوم کارآفرینی آموزشی،

به عنوان کلیدی‌ترین عامل در مرکز مدل قرار گرفته است. این عامل کلیدی از ۵ مقوله فرعی: خوداشتغالی بعد از فارغ‌التحصیلی دانشجویان، تشکیل تیم‌های دانشجویی برای راه‌اندازی کسب‌وکار آموزشی، نگرش مثبت به اشتغال و کارآفرینی به جای استخدام دولتی، استفاده و تبدیل دانش آموخته شده به خدمتی نو در عرصه آموزش و تمایل به داشتن شغل مستقل، چالشی و پویا به جای شغل روتین، یکنواخت و دارای ضوابط دست و پاگیر دولتی تشکیل شده است. بنابراین، براساس دیدگاه خبرگان اگر قصد کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران را داریم، باید دانشجویان را به تشکیل تیم‌های کاری مستقل در راستای راه‌اندازی کسب‌وکار آموزشی ترغیب کرد، نگرش دانشجویان را نسبت به استخدام و شغل آینده تغییر داد و به ایجاد شغل برای خودشان ترغیب کرد، باید کلاس‌های مختلف مهارتی، نگرشی و آموزش‌های کارآفرینانه برای دانشجویان برگزار شود تا توانایی تبدیل دانش آکادمیک به محصول در آنها ایجاد شود، و موارد بی‌شمار دیگری که کارآفرینی آموزشی را به عنوان مقوله و هسته اصلی موضوع مورد بحث، تایید می‌کنند.

راهبردها: نتایج بدست آمده در خصوص مقوله راهبردها بیانگر آن است که برای کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، باید برنامه کلان و مصوبی با مشارکت دانشجویان، کارآفرینان و صنایع تنظیم و اجرایی شود. در این پژوهش ۴ راهبرد و ۳۱ مقوله فرعی شامل: بازتعریف رشته آموزش در دانشگاه (۵ مقوله فرعی)، تجاری‌سازی آموزش (۹ مقوله فرعی)، رهبری و مشاوره کارآفرینانه (۸ مقوله فرعی) و سیاست‌گذاری پرورش و تربیت دانشجو (۹ مقوله فرعی) شناسایی شده است که در صورت اجرایی شدن، می‌توانند کمک شایان توجهی به کارآفرینی آموزشی دانشجویان رشته آموزش در دانشگاه‌ها کنند. یکی از این راهبردها بازنگری و بازتعریف رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و رشته‌های مشابه در حوزه آموزش می‌باشد. در حال حاضر رشته آموزش دارای سرفصل‌های آموزشی بوده که هیچ‌سختی با کارآفرینی در این رشته ندارند و به مهارت‌آموزی یا دانش‌افزایی دانشجویان کمکی نمی‌کند. باید مسئولان در این زمینه اقدامات اصلاحی را در دستور کار قرار دهند و محتوای مناسب، اثربخش، و مهارت‌محور را به دانشجویان ارائه کنند. دانشجویان برای تبدیل شدن به کارآفرین در حوزه آموزش، با نشستن در کلاس‌های آموزشی تئوری نمی‌توانند به چنین پتانسیلی دست یابند. باید در کنار آموزش دانش علمی روز، بازدیدهای علمی از مراکز کارآفرینی آموزشی، صنایع و بخش‌های خدمات برای دانشجویان پیش‌بینی شود، تا دانشجو بینش و درک جدیدی از کار و اشتغال پیدا کرده و ایده‌های خود را بهتر پیوراند. آموزش فناوری در کنار آموزش‌های نظری و دروس کتابی، از ضرورت‌های کارآفرینی آموزشی است. امروزه اگر دانشجویان بخواهند دست به کارآفرینی بزنند، باید نحوه کار فناوری‌ها و نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای جدید را

فراگیرند و به توانایی استفاده یا در بکارگیری آنها برای حوزه آموزش و سبک‌های یادگیری، تسلط داشته باشند، تا بتوانند محصول جدید یا خدمتی جدید براساس تغییرات تکنولوژیکی روز دنیا به مصرف‌کنندگان ارائه کنند. لذا می‌توان با قطعیت گفت که بازنگری رشته‌های آموزشی باید در اولویت برنامه‌های کارآفرینی آموزشی قرار گیرد.

عامل بعدی که می‌تواند به عنوان یک راهبرد به کارآفرینی آموزشی منجر شود، مشاوره و رهبری کارآفرینانه است. در حال حاضر مدرسین در نظام آموزش عالی که اگر بدبینانه به موضوع نگاه نکنیم، تعدادی از آنها مجهز به دانش علمی مورد نیاز رشته‌های آموزش‌محور نیستند، فناوری‌های نو و کاربردی را نه تنها نمی‌توانند استفاده کنند، بلکه شناختی نیز از آنها ندارند، کارآفرینان حوزه آموزش را نمی‌شناسند و در شبکه‌های کارآفرینی آموزشی عضویت ندارند. حال چطور انتظار داریم اساتیدی با این وضعیت، به دانشجویان مهارت و بینش کارآفرینی آموزشی منتقل کنند. بر این اساس، باید در انتخاب و گزینش اساتید جدید و به‌روز، اقدام جدی و آنی صورت گیرد. بایستی مراکز مشاوره شغلی مرتبط با هر رشته، خصوصاً رشته آموزش در دانشگاه شکل بگیرند و به‌طور جدی فعال باشند و عمده بخش آموزش عملی دانشجویان از طریق این مراکز صورت بگیرد. به‌طور مثال کنفرانس، نمایشگاه و جشنواره‌های ملی و استانی کارآفرینی برگزار کنند، الگوهای کارآفرینی را به کلاس‌های درس و دانشگاه بیاورند و از آن‌ها خواسته شود تا تجربیات خود را با دانشجویان به اشتراک بگذارند، شبکه کارآفرینی آموزشی تشکیل دهند و با عضویت دانشجویان در باشگاه کارآفرینی آموزشی، دانشجویان را به فعالیت‌های کسب‌وکارهای آموزشی در مدرسه کارآفرینی ترغیب کنند، فیلم‌های مستند از کارآفرینان آموزشی تهیه کنند و در بیلبوردهای دانشگاه، و تلویزیون پخش کنند، تا دانشجویان به لحاظ فکری و ذهنی، مهارتی، و ایده‌پردازی خود را آماده کارآفرینی کنند. عامل بعدی که به عنوان راهبرد مطرح است، تجاری‌سازی مبحث آموزش است. رشته آموزش به این دلیل جدی گرفته نشده که فارغ‌التحصیلان و متخصصان این رشته دست به ارزش‌آفرینی در صنعت آموزش نزده‌اند. یک فارغ‌التحصیل آموزش با کارآفرینی آموزشی می‌تواند برای متخصصان آموزش یک وجهه و اعتبار مضاعف ایجاد کند، تا سایر صنایع و رشته‌های تحصیلی چنین گمان نکنند که کارآفرینی صرفاً مربوط به مهندسان و متخصصان علوم پایه است؛ کما اینکه در حال حاضر چنین پنداشته می‌شود. باید کاری کرد که یک فارغ‌التحصیل آموزش که کسب‌وکاری را راه‌اندازی می‌کند و قطعاً علاوه‌بر دادن خدمات به مصرف‌کنندگان، به دنبال کسب سود از کار خود است، روش‌های نوین را باید به‌کار بگیرد و برای تولیدات و خدمات خود برندسازی کند. زمانی می‌توان گفت یک کسب‌وکاری به بهترین شکل انجام شده است که تحت عنوان یک نام خاص به مصرف‌کننده عرضه شود و همه، خدمت و

محصول را با آن نام بشناسند. لذا مالیکت معنوی، ثبت پتنت، ثبت علائم تجاری و اختراعات و روش ثبت اختراع محصول و خدمت، و ثبت ایده از جمله کارهای اساسی است که کارآفرینان آموزشی باید به آن دست بزنند و این امر نیازمند یادگیری آن مهارت‌ها است. استفاده از ابزارهای آنلاین برای ارائه خدمت و فروش محصول نیز یکی از کارهایی است که کارآفرینان باید از آن استفاده کنند و به بازارهای آنلاین و مجازی متصل شوند. آخرین راهبرد شناسایی شده، سیاست‌گذاری صحیح در خصوص تربیت دانشجویان است. اگر هدف نظام آموزش عالی در پرورش دانشجویان رشته آموزش، اشتغال در آموزش و پرورش و بخش آموزش ادارات و دستگاه‌های دولتی و حتی مشاغل کاذب است که حرفی وجود ندارد، ولی اگر به دنبال کارآفرینی آموزشی در نظام آموزش عالی هستیم، باید سیاست‌های تربیت دانشجو را تغییر بدهیم و برای رسیدن به آن سیاست‌ها، باید اقدامات عملی و برنامه‌ریزی شده‌ای را انجام داد. یکی از سیاست‌های نظام آموزش عالی بایستی پرورش روحیه کارآفرینی و ذهن خلاق و نوآور باشد. دانشجو باید طوری تربیت شود که به صورت خودجوش و داوطلبانه به یادگیری مستمر بپردازد. دانشجو باید قدرت خطر کردن را بیاموزد؛ باید طوری به وی آموزش داده شود که بپذیرد برای رسیدن به اهداف عالی، بایستی ریسک کند و داشته‌های خود را برای رسیدن به اهداف کارآفرینی فدا کند، در غیر این صورت موفق نخواهد شد. سیاست‌های خشک و غیرمنعطف باید تغییر کنند؛ به دانشگاه‌ها، اساتید و دانشجویان در انتخاب محتوا، شیوه تدریس، پروژه‌های دانشجویی، استقلال داده شود و به‌طور کلی تمرکززدایی از نظام آموزشی با هدف مشارکت صورت گیرد. با چنین اقداماتی باید به سمت تغییر سیاست‌های پرورش دانشجویان حوزه آموزش رفت تا هرچه بیشتر آنها را برای کارآفرینی آموزشی آماده‌تر کنیم. نهایتاً باید برای اجرای این راهبردها یک مکانیزم پیش‌بینی شود که مسئولان و تصمیم‌گیرندگان نظام آموزش عالی و فارغ‌التحصیلان و کارآفرینان بتوانند به راحتی با هم ارتباط برقرار کنند و نقطه‌نظرات خود را ارائه کرده و بازخورد آن را دریافت کنند.

<http://stn.gom.ac.ir>

جدول ۶- کدهای باز و محوری مرتبط با راهبردها

کدهای محوری	کدهای باز	
	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
راهبردها	راهبرد ۱: بازتعریف رشته آموزش در دانشگاه	تغییر ساختار رشته‌های تحصیلی آموزش با رویکرد کارآفرینی و اشتغال آفرینی، تدوین منابع و محتوای آموزشی مرتبط و کاربردی، حذف یا کاهش دروس و واحدهای درسی غیرمرتبط و غیرکاربردی، افزودن دروس عملی به رشته آموزش، با محوریت فناوری‌های روز دنیا، تصویب واحد درسی کارآفرینی آموزشی با محوریت تورها و بازدیدهای علمی از شرکت‌های فعال آموزشی

کدهای محوری	کدهای باز	
	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
راهبردها	راهبرد ۲: رهبری و مشاوره کارآفرینانه	گزینش اساتید مرتبط و فعال در حوزه کارآفرینی آموزشی، ترویج و آموزش کارآفرینی آموزشی از طریق برگزاری کنفرانس، نمایشگاه و جشنواره، معرفی کارآفرینان آموزشی به عنوان الگوهای کارآفرینی در جامعه، ایجاد مراکز مشاوره شغلی در دانشکده‌های علوم تربیتی با رویکرد ایده‌پردازی و ایده‌آفرینی، تشکیل شبکه کارآفرینی آموزشی، برگزاری نمایشگاه‌های کارآفرینی آموزشی برای ارائه ایده‌های دانشجویان، ساخت فیلم‌های مستند از کارآفرینی‌های آموزشی صورت گرفته و ارائه آن به دانشجویان، دعوت از کارآفرینان بخش آموزش برای سخنرانی و انتقال تجربیات به دانشجویان
	راهبرد ۳: تجاری‌سازی آموزش	ارزش‌آفرینی برای صنعت آموزش و یادگیری، به‌کارگیری روش‌های نوین کسب‌وکار به منظور سودآوری از عرصه آموزش و یادگیری مستمر، ابداع و ثبت روش‌های نوین آموزشی، ثبت برند در زمینه ارائه آموزش و یادگیری، ارائه بسته‌های آموزشی ویژه به عنوان محصولات موفق تجاری، الگوبرداری کارآفرینی آموزشی از سایر کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، اتصال روش‌های نوین آموزش (فن‌آوری) به بازار از طریق تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی، ایجاد بازار آموزشی آنلاین، شناسایی بازارها و مخاطبان جدید نیازمند خدمات آموزشی
	راهبرد ۴: سیاست‌گذاری پرورش و تربیت دانشجو	پرورش ذهن خلاق و نوآور در نظام دانشگاهی در راستای رشته تحصیلی، پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان رشته آموزش، خلق فرهنگ یادگیری مادام‌العمر و خودگرداننده، زمینه‌سازی برای خطرپذیری دانشجویان رشته آموزش، زمینه‌سازی ذهنی، علمی و پژوهشی لازم برای پذیرش تغییر و تحول، بازنگری اهداف و سیاست‌های کلان و خرد نظام آموزشی کشور، رعایت اصل انعطاف‌پذیری در نظام آموزشی (حذف چارچوب‌ها، سیاست‌ها، روش‌ها و قوانین غیرمنعطف، خشک و ثابت)، تمرکززدایی از نظام آموزش عالی با هدف جلب مشارکت حداکثری و کسب فرصت‌های رشد خلاقیت، شناخت مشتری، نیازهای آن و طبقه‌بندی آنها با هدف ارائه خدمت

پیامدها: نتایج بدست آمده از تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که اجرای مدل کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران، منجر به نتایج مثبت و مطلوبی می‌گردد که عبارتند از: رشد و توسعه کشور (۶ مقوله فرعی)، تحقق اهداف نظام آموزش عالی (۴ مقوله فرعی)، رفاه اجتماعی (۴ مقوله فرعی) و پویایی اجتماعی (۶ مقوله فرعی). نتایج پژوهش حاضر این نکته را نشان می‌دهد که کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی می‌تواند پیامدهای مثبت و اثرگذاری در کشور، نظام آموزش عالی و اجتماع و حتی زندگی شخصی افراد در پی داشته باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت در کشورهایی که بار اصلی فعالیت‌های جامعه بر عهده بخش خصوصی است و دولت نقش نظارتی دارد، پویاتر هستند و دولت تمام شرایط و سیاست‌های کلان را به نفع بخش خصوصی تدوین می‌کند، تا ضمن حمایت از بخش خصوصی، حجم کار اجرایی خود را کم کند و این یک نفع

دو طرفه است. رشد و توسعه کشور در پرتو سیاست‌های کلان و صحیح، برعهده خود مردم است و مردم می‌دانند هرچقدر بیشتر تلاش کنند، ضمن پیشرفت در کسب‌وکار خودشان، به پیشرفت جامعه نیز کمک کرده‌اند. یکی از دغدغه‌های دولت‌ها همیشه معضل بیکاری و افزایش نرخ اشتغال بوده است که با کارآفرینی آموزشی می‌توان بخشی از معضل بیکاری فارغ‌التحصیلان را حل کرد؛ به گونه‌ای که این اشتغال‌آفرینی پایدار باشد و چرخ‌های صنعت و خدمات کشور را با بکارگیری فناوری‌های جدید و روز دنیا به حرکت درآورد و گردش مالی را در همه ارکان اقتصادی کشور موجب شود. لذا کارآفرینی آموزشی به عنوان یک فعالیت که در بخش خصوصی اتفاق می‌افتد، می‌تواند جریان و فرایند رشد و توسعه یک کشور را بدنبال داشته باشد. دیگر پیامد مطلوب کارآفرینی آموزشی، تحقق اهداف طرح‌های کارآفرینی سازمانی و سازمان‌های کارآفرین و کارآفرینی اجتماعی که نتیجه آن، تحقق اهداف نظام آموزش عالی کشور است. آموزش عالی با هدف تربیت نیرو برای بخش‌های مختلف جامعه و صنعت و همچنین زندگی در جامعه تشکیل شده است. اگر کارآفرینی آموزشی محقق شود، عملاً بین صنعت و دانشگاه ارتباطات خوبی برقرار می‌شود و حضور متخصصان در مشاغل مرتبط، تناسب بین رشته تحصیلی و شغل برقرار شده و مأموریت اصلی نظام آموزش عالی محقق می‌گردد. از پیامدهای دیگر می‌توان به رفاه و پویایی اجتماعی اشاره کرد. قطعاً مردم در جامعه زندگی می‌کنند و نیازهایی دارند و دوست دارند برای خود و خانواده‌شان بهترین شرایط و امکانات را فراهم کنند. کارآفرینی آموزشی توسط فارغ‌التحصیلان رشته آموزش، منجر به کسب درآمد پایدار و بیشتر نسبت به مشاغل کارمندی و استخدامی می‌گردد. به عبارت دیگر، کارفرمای یک کسب‌وکار قطعاً درآمد بیشتری از یک کارمند همان کسب‌وکار بدست می‌آورد و لذا می‌تواند رفاه بیشتری برای خود و خانواده‌اش فراهم کند. از طرف دیگر، تولید کار و ایجاد اشتغال می‌تواند افراد مختلفی را دور هم جمع کند و ضمن حل معضل بیکاری، آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری را نیز کم کند. وقتی فردی در اجتماع دست به کارآفرینی زده است، برای خود و مجموعه تحت مدیریتش مسئولیت‌هایی را نیز تعریف می‌کند که در قبال جامعه پاسخگو باشد و کمکی نیز به اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، کرده باشد. کارآفرینی و ایجاد اشتغال می‌تواند برای فرد شاغل نشاط اجتماعی به همراه داشته باشد و حس خودباوری را در افراد زنده کند و به این نتیجه برسد که اگر در امور کاری مشارکت دیگران را دخیل کند، می‌تواند با صرف هزینه بسیار کمی، تجربیات، مهارت‌ها، ایده‌ها و ابتکارات سایرین را نیز دریافت کند و به واسطه تجربه و دانش دیگران، کسب‌وکار خود را توسعه دهد و درآمد بیشتری کسب نماید و نفرات بیشتری را مشغول بکار کند و ضمن توسعه کار خود، به کشور و جامعه نیز کمک نموده است. بنابراین کارآفرینی آموزشی می‌تواند پیامدهای بی‌شماری را بدنبال داشته باشد

که یافته‌های پژوهش حاضر منجر به شناسایی چهار پیامد اصلی گردید که قطعاً ارزش پرداختن به کارآفرینی آموزشی را دارد.

جدول ۷- کدهای باز و محوری مرتبط با پیامدها

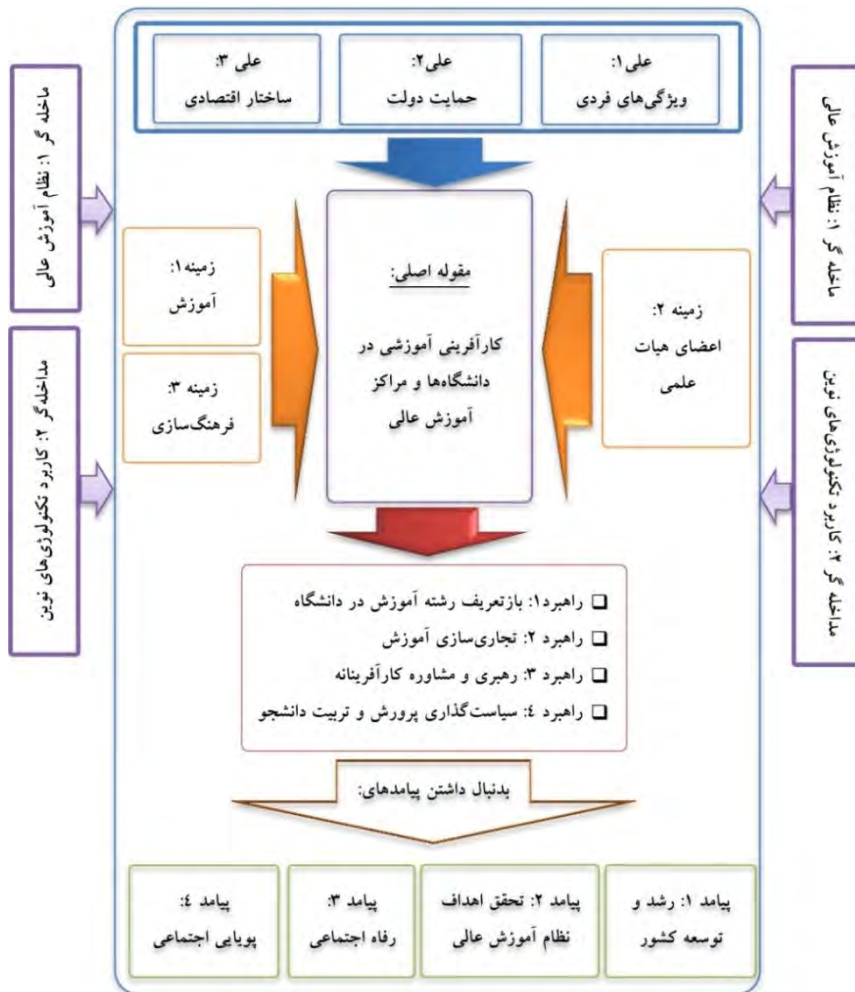
کدهای محوری	کدهای باز	
	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
پیامدها	پیامد ۱: رشد و توسعه کشور	توسعه بخش خصوصی، افزایش میزان اشتغال اتربخش جوانان، ورود فناوری‌های نوین به بخش‌های مختلف کشور، توسعه اقتصادی و چرخش مالی، اشتغال پایدار، پوشش و رفع نواقص نظام آموزشی کشور
	پیامد ۲: تحقق اهداف نظام آموزش عالی	تربیت نیروی کار مناسب برای بخش صنعت و خدمات، حضور دانش‌آموختگان متخصص در مشاغل مرتبط، ایجاد ارتباط مطلوب بین دانشگاه و صنعت، رفع نیازهای جامعه به مدد پرورش نیروی انسانی تحصیلکرده
	پیامد ۳: رفاه اجتماعی	کسب درآمد مکفی برای رفع نیازهای روزانه، افزایش کیفیت زندگی مردم، تأمین سریع‌تر نیازهای زندگی با حذف روش‌های سنتی، افزایش آگاهی‌های اجتماعی
	پیامد ۴: پویایی اجتماعی	کاهش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تقویت حس خودباوری، افزایش نشاط در جامعه، افزایش مشارکت و همکاری جمعی آحاد جامعه در انجام فعالیت‌ها، سهیم شدن افراد در تجربیات، اطلاعات، مهارت‌ها و ابتکار یکدیگر

● مدل مفهومی کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی چیست؟

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که مدل مناسب کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و

موسسات آموزش عالی ایران با ۱۰۸ مفهوم (مقوله فرعی) و ۱۷ مقوله اصلی، به صورت مصور به شرح شکل (۲) می‌باشد. مدل بدست آمده براساس یک کار کیفی از طریق رویکرد داده‌بنیاد و مصاحبه با خبرگان بدست آمده است. این مدل بیانگر آن است که برای کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها، بایستی با یک دید کلان به موضوع نگریست و کل مدل بدست آمده را مدنظر داشت. نمی‌توان انتظار داشت کارآفرینی در دانشجویان آموزش افزایش یابد، ولی همه جنبه‌های بدست آمده را مورد مذاقه قرار نداد. برخی عوامل تشکیل‌دهنده مدل مناسب کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها، عوامل زمینه‌ساز حادث شدن پدیده اصلی (کارآفرینی آموزشی) هستند، برخی دیگر علل بوجود آورنده آن بوده و در این بین عواملی نیز مخّل هستند، برای تحقق این موضوع باید راهبردهای اساسی شناسایی و پیاده‌سازی شوند، تا در نهایت از توجه و انجام این امور، پیامدها و نتایج مثبت کارآفرینی آموزشی بدست آیند. مدل بدست آمده از نظر راهبرد، تجربی است؛ زیرا مدلی که پژوهشگر ارائه کرده است، نمود فردی و اجتماعی دارد. از نظر فلسفی از نوع پراگماتیسم یا عمل‌گرا می‌باشد؛ چراکه

کاربردی و عملکردی است. از طرفی از منظر منطق پژوهش، از نوع استقرایی و از نظر الگو، از نوع هنجاری می‌باشد. تحقق چنین مدلی و اجرایی کردن آن، نیازمند توجه به تمام ابعاد تشکیل‌دهنده مدل می‌باشد و باید موانع اساسی در پیاده‌سازی و اجرای مدل تاحد ممکن رفع شوند.



شکل ۲- مدل مفهومی کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران

۵. نتیجه‌گیری

امروزه جامعه‌ای در جهت سازگاری با تغییرات و رقابت جهانی پیشتاز خواهد بود که از نیروی انسانی ماهر و متخصص، خلاق، خودباور و کارآفرین برخوردار باشد. در این فضای نوین، کشور ما

بیش از هر زمان دیگر نیازمند یک نظام دانشگاهی پویا و موقی است که کارآفرینی آموزشی را در سطوح مختلف برنامه‌های خود مدنظر داشته باشد. کارآفرینی آموزشی امکان تولید منابع انسانی، اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌کند که بواسطه آن پاسخگویی به نیازهای جدید اجتماع میسر می‌شود.

پژوهش حاضر درصدد ارائه مدلی برای کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران است. در راستای دستیابی به این الگو، مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی، برای مدل استخراج شد که برخی از آنها زمینه‌ساز، علل بوجود آورنده، مداخله‌گر، راهبر و پیامد بودند. نتایج نشان داد که «ویژگی‌های فردی»، «حمایت دولت»، «ساختار اقتصادی»، «آموزش»، «اعضای هیئت علمی»، «فرهنگ‌سازی»، «نظام آموزش عالی»، «کاربرد فناوری‌های نوین»، «بازتعریف رشته آموزش»، «تجاری‌سازی آموزش»، «رهبری و مشاوره کارآفرینانه»، «سیاست‌گذاری تربیت و پرورش دانشجو»، «رشد و توسعه کشور»، «تحقق اهداف نظام آموزش عالی»، «رفاه اجتماعی» و «پویایی اجتماعی» عوامل تشکیل‌دهنده کارآفرینی آموزشی هستند.

مدل بدست آمده در پژوهش حاضر، مدلی نسبتاً کارآمد است و با توجه به اینکه مشابه قبلی ندارد، می‌تواند تا حد زیادی راهگشا باشد. ضمن اینکه باید نیم‌نگاهی هم به اصلاح و روزآمدسازی آن وجود داشته باشد. اما از حیث مقایسه با نتایج سایر پژوهش‌های صورت گرفته، علی‌رغم اینکه تاکنون پژوهشی به این موضوع نپرداخته است، بنابراین، موضوع بحث، جدید بوده و در دیگر پژوهش‌ها، موضوعات قرعی را مورد واکاوی قرار داده‌اند. در راستای یافته‌های این پژوهش، اکبری و همکاران (۱۳۹۹) به چهار عامل فرهنگ، رهبری کارآفرینانه، قوانین و سیستم آموزشی (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷) به عواملی نظیر تعهد و گرایش مدیریت و رهبری به کارآفرینی، انعطاف‌پذیری قوانین و مقررات، حمایت مالی و سرمایه‌گذاری کارآفرینانه، آموزش‌های رسمی و غیررسمی کارآفرینی، توسعه اجتماعی و اقتصادی دست یافتند که با مقوله‌های بدست آمده در پژوهش حاضر، همخوانی دارند. ازجمله عواملی که توسط پژوهشگران خارجی در خصوص کارآفرینی آموزشی بدست آمده و با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد، عبارتند از: مقررات و قوانین دانشگاه (فینی و همکاران، ۲۰۲۰)، ویژگی‌های شخصی و فردی (هاهن و همکاران، ۲۰۱۹)، شیوه آموزش کارآفرینی و جهت‌گیری کارآفرینی (هپ و همکاران، ۲۰۱۷)، ایجاد مرکز نوآوری و کارآفرینی، پرورش استادان و مدرسان کارآفرینی فناوری، طراحی و توسعه دوره‌های کارآفرینی فناوری (وارد، ۲۰۱۶)، آموزش کارآفرینی، توسعه توانایی‌های فردی، حل مشکلات اجتماعی (هس و هاسل، ۲۰۱۵)، ویژگی‌های شخصیتی.

مطالعات نشان داده است که پیشایندهای کارآفرینی آموزشی شامل عوامل مختلف سازمانی و فردی است. در حالی که بسیاری از عوامل محیطی در کارآفرینی سازمانی، برای کارآفرینی آموزشی قابل استفاده است، محیط نظارتی با سیاست‌های دولت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا آموزش رسمی که در آن بسیاری از موسسات آموزشی فعالیت می‌کنند، یک بخش به شدت قانونی بوده و به حمایت مالی دولت وابسته است. بازیگران این بخش تمایل دارند که نسبت به تغییرات سیاسی در زمینه‌های مختلف واکنش نشان دهند. در کنار این مهم، عوامل سازمانی دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از متغیرهای سازمانی است که در رأس آن تعامل بین فعالیت‌های کارآفرینی، و جهت‌گیری فردی کارآفرینی را می‌توان از طریق برخی از رویکردهای موجود برای مطالعه ویژگی‌های کارآفرینی مانند جهت‌گیری نگرش کارآفرینی، خودکارآمدی کارآفرینی، استقلال‌طلبی، موفقیت‌طلبی، ریسک‌پذیری مورد بررسی قرار داد. در راستای نتایج بدست آمده می‌توان گفت: برای تحقق کارآفرینی آموزشی توسط دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های آموزش، باید عواملی که کارآفرینی آموزشی را ایجاد می‌کنند، ثبات می‌بخشند و در ادامه تقویت و توسعه می‌دهند، شناسایی شده و برای آنها برنامه‌ریزی کرد.

با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش، و بر مبنای محدودیت‌های پژوهش، پیشنهادهای ذیل جهت تحقق کارآفرینی آموزشی ارائه شده است تا مسئولان و تصمیم‌گیرندگان، از این رهگذر کمکی به کارآفرینی آموزشی در بین فارغ‌التحصیلان کنند:

در حوزه شرایط زمینه‌ساز: مؤلفه‌های کارآفرینی به دانشجویان آموزش داده شود و کارگاه‌ها و دوره‌های تخصصی کارآفرینی در حوزه آموزش برای آنها برگزار گردد. از طریق ارائه مشاوره، روحیه کارآفرینی در دانشجویان تقویت شود. حوزه‌های درآمدزا در زمینه خدمات آموزشی به جامعه شناسایی شده و به دانشجویان نشان داده شود.

در حوزه عوامل علی: برنامه‌ریزی لازم برای ایجاد، توسعه و تقویت ویژگی‌های فردی موثر در کارآفرینی آموزشی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، حمایت تمام‌قد مسئولان دولتی از کارآفرینان در سطوح خُرد، متوسط و بزرگ، فراهم کردن شرایط عملیاتی نمودن ایده‌های خلاق و نوآوری، ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی برای آگاهی فعالان حوزه کسب‌وکارهای آموزشی، تغییرات بنیادی با رویکرد اشتغال‌آفرینی و کارآفرینی دانشگاهی در اهداف و سیاست‌های کلان نظام آموزشی، حمایت مالی از ایده‌های خلاق و نوآور.

در حوزه عوامل مداخله‌گر: کاهش فاصله نیازهای بازار کار و توانمندی‌های فارغ‌التحصیلان توسط

نظام آموزش عالی، تمرکززدایی در تهیه و تدوین سرفصل و محتوای آموزشی به فراخور نیازهای بازار کار توسط دانشگاه‌ها و اساتید با همفکری و مشارکت صنعت، بکارگیری اساتیدی دارای توانمندی و دانش لازم برای آموزش دانشجویان با قابلیت کارآفرینی آموزشی، شناسایی و کاربرد فناوری نوین حوزه آموزش و یادگیری.

در حوزه **راهبردها**: تغییر ساختار رشته‌های تحصیلی آموزش در راستای ایجاد قابلیت کارآفرینی و اشتغال‌آفرینی در دانشجویان، بازنگری جدی در منابع و محتوای آموزشی، افزایش دروس عملی در رشته آموزش با محوریت فناوری‌های روز دنیا، معرفی کارآفرینان آموزشی به عنوان الگوهای کارآفرینی و کارآفرینان برتر، ایجاد مراکز مشاوره شغلی در دانشکده‌های علوم تربیتی با رویکرد ایده‌پردازی و ایده‌آفرینی، ساخت فیلم‌های مستند از کارآفرینی‌های آموزشی، دعوت از کارآفرینان بخش آموزش برای سخنرانی و انتقال تجربیات به دانشجویان، تجاری‌سازی آموزش در کسب‌وکار، بازنگری اهداف و سیاست‌های کلان و خُرد نظام آموزشی کشور.

منابع

- آهنچیان. م. ر.، قرونة، د. (۱۳۹۸). کارآفرینی آموزشی. تهران: سمت، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- اعلامی، ف.، رضایی‌زاده، م. (۱۳۹۶). کارآفرینی آموزشی، اصول، مبانی و مصادیق. تهران: انتشارات علم استادان.
- اعلامی، ف.، سایه‌وند، ز. (۱۳۹۹). کارآفرینی آموزشی: فرصت‌ها و چالش‌ها. گزیده مدیریت، ۲۱(۲۱۶).
- اکبری، ت.، هاشمی، ج.، جاویدپور، م.، متولی کسمایی، م. (۱۳۹۹). تبیین تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی جوانان (مورد مطالعه: جوانان شهر اردبیل). پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۱۰۳.
- حاجی میررحیمی، س. د.، مخبر دزفولی، ع.، غلامی، ح.، اکبری، م.، نوروزی، ع. (۱۳۹۴). بررسی راهکارهای توسعه توانمندی‌های کارآفرینانه دانشجویان دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۶(۲).
- <https://doi.org/10.22059/IJAEDR.2015.54887>
- زلالی، ن.، خسروی‌پور، ب.، زارع، ع. (۱۳۹۴). تنگناها و چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی از دیدگاه مدیران اجرایی. پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۳۳. <https://doi.org/10.22092/JAEAR.2015.105818>
- سایه‌وند، ز.، اعلامی، ف.، شمس‌مورکانی، غ. (۱۳۹۹). شناسایی اکوسیستم کارآفرینی آموزشی: فرصت‌ها و تهدیدهای آن. مدیریت برآموزش سازمان‌ها، ۹(۱).
- سلطان‌زاده، و.، اردلان، م. ر.، قبری، س. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل موثر بر کارآفرینی آموزشی در دانشگاه‌های دولتی کشور. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۱۰(۱).
- عبداللهی، م.، رحمتی، س.، پرسته، ف. (۱۳۹۹). تأثیر آموزش کارآفرینی آموزشی معلمان بر کارآفرینی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه. نوآوری‌های مدیریت آموزشی، ۱۵(۳). <https://doi.org/20.1001.1.20081138.1399.15.3.4.4>
- قربانی، ش. (۱۳۹۶). ارائه الگوی تأثیر رهبری هوشمند بر کارآفرینی سازمانی با نقش میانجی فرهنگ سازمانی. پایان‌نامه دکتری مدیریت کارآفرینی. موسسه مدیریت دولتی کرمانشاه.
- مرادیان، پ.، سلیمی، م.، جهانیان، ر. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل توسعه کارآفرینی آموزشی در نظام آموزش عالی. آموزش علوم دریایی، ۷(۲۱).
- ملاعلیا، م. (۱۳۹۷). مبانی کارآفرینی: دوره‌های کاردانی و کارشناسی دانشگاه‌ها. تهران: نشر سخنوران.
- موسوی، م.، شبگو منصف، م. (۱۳۹۷). بررسی نقش دانش فنی در تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، شماره ۵.

<http://stn.gom.ac.ir>

References

- Abdolahi, M., Rahmati, S. & Parasteh, F. (2020). The effect educational entrepreneurship training of teachers on student's entrepreneurship in the secondary school. *Journal of Educational management innovations*, 15(3). <https://doi.org/20.1001.1.20081138.1399.15.3.4.4> [in persian]
- Ahanchian, M.R. & Ghoroneh, D. (2018). *Educational entrepreneurship*. Tehran: Samt, Institute of Research and Development of Human Sciences. [in persian]
- Akbari, T., Hashemi, J., Javidpour, M. & Mutoli Kasmai, M. (2019). Explaining the effect of virtual social networks on the lifestyle of young people (case study: Ardabil city youth). *Communication researches*, No.103. [in persian]
- Akhtar, S. (1999). The distinction between needs and wishes: Implications for psychoanalytic theory and technique. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, 47.

- Alami, F. & Rezai Zadeh, M. (2016). *Educational entrepreneurship, principles, foundations and examples*. Tehran: Elme Ostadan Publications. [in persian]
- Alami, F. & Sayewand, Z. (2019). Educational entrepreneurship: opportunities and challenges. *Monthly Management Selection*, 21(216). [in persian]
- Cantu-Ortiz, F.J., Galeano, N., Mora, Castro, P. & Fangmeyer, J. (2017). Spreading academic entrepreneurship: Made in Mexico. *Business Horizons*, 60(4): 541-550.
<https://doi.org/10.1016/j.bushor.2017.04.002>
- Cope, J. (2005). Toward a dynamic learning perspective of entrepreneurship. *Entrepreneurship. Theory and Practice*, 29(4). <https://doi.org/10.1111/j.1540,6520.2005.00090.x>
- Corbin, J. & Strauss, A.L. (2014). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Fourth Edition. Sage Publishing, Inc.
<https://doi.org/10.4135/9781452230153>
- Deveci, I. & Seikkula, Leino, J. (2018). A review of entrepreneurship education in teacher education. *Malaysian Journal of Learning and Instruction*, 15(1).
<https://doi.org/10.32890/mjli2018.15.1.5>
- Din, D.H., Anuar, A.R. & Usman, M. (2016). The Effectiveness of the Entrepreneurship Education Program in Upgrading Entrepreneurial Skills among Public University Students. *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, 224(2). <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.05.413>
- Fichter, K. & Tiemann, I. (2018). Factors influencing university support for sustainable entrepreneurship: Insights from explorative case studies. *Journal of Cleaner Production*, 175.
<https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2017.12.031>
- Fini, R., Grimaldi, R. & Meoli, A. (2020). The effectiveness of university regulations to foster science, based entrepreneurship. *Research Policy*, 25.
<https://doi.org/10.1016/j.respol.2020.104048>
- Hadi, C., Wekke, I.S. & Cahaya, A. (2015). Entrepreneurship and Education: Creating Business Awareness for Students in East Java Indonesia. *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, 177.
<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.02.396>
- Hahn, D., Tommaso, M. Giulio, B. & Lucio, C. (2019). *The impact of entrepreneurship education on university students' entrepreneurial skills: a family embeddedness perspective*. Springer Science+Business Media, LLC, part of Springer Nature 2019 Small Bus Econ.
<https://doi.org/10.1007/s11187,019,00143,y>
- HajiMirRahimi, S.D., Mokhber Dezfooli, A., Gholami, H., Akbari, M. & Noroozi, A. (2015). Investigating the approaches for development of student's entrepreneurial capabilities in agricultural scientific, applied courses (Case study: Imam Khomeini Higher Education Center (ihc)). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 46(2).
<https://doi.org/10.22059/IJAEDR.2015.54887> [in persian]
- Hess, F.M. & Hassel, B.C. (2015). Fueling Educational Entrepreneurship: Addressing the Human Capital Challenge. *Journal of Entrepreneurship*, 15(2).
- Hobikoglu, E.H. & Sanli, B. (2015). Comparative Analysis in the Frame of Business Establishment Criteria and Entrepreneurship Education from the Viewpoint of Economy Policies Supported by Innovative Entrepreneurship. *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, 195.

- <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.06.166>
- Hoppe, M., Westerberg, M. & Leffler, E. (2017). Educational approaches to entrepreneurship in higher education: A view from the Swedish horizon. *Education + Training*, 59(7).
<https://doi.org/10.1108/ET,12,2016,0177>
- Kakouris, A. & Georgiadis, P. (2016). Analyzing education entrepreneurship: a bibliometric survey pattern. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 6(6).
<https://doi.org/10.1186/s40497,016,0046,y>
- Kakouris, A. & Ketikidis, P. (2012). Editorial: Poles of innovative entrepreneurship: A triple nexus. *International Journal of Innovation and Regional Development*, 4(3/4).
- Linan, F., Rodríguez Cohard, J.C. & Rueda Cantuche, J.M. (2011). Factors affecting entrepreneurial intention levels: a role for education. *International Journal Entrepreneurship and Management*, 7(2). <https://doi.org/10.1007/s11365,010,0154,z>
- Martin, C. & Iucu, R.B. (2014). Teaching Entrepreneurship to Educational Sciences Students. *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, 116(3).
<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.01.954>
- Molla Alia, M. (2017). Basics of entrepreneurship: associate and bachelor courses of universities. Tehran: Sokhanvaran publishing. [in persian]
- Moradyan, P., Salimi, M. & Jahanian, R. (2021). Identification of Educational Entrepreneurship Development Factors in Universities. *Journal of Educational management innovations*, 16(3). [in persian]
- Mousavi, M. & Shebgo Monsef, M. (2017). Examining the role of technical knowledge in identifying and exploiting entrepreneurial opportunities. *New research approaches in management and accounting*, No. 5. [in persian]
- Omer Attali, M. & Yemini, M. (2017). Initiating consensus: Stakeholders define entrepreneurship in education. *Educational review*, 69(2). <https://doi.org/10.1080/00131911.2016.1153457>
- Omri, A. & Afi, H. (2020). How can entrepreneurship and educational capital lead to environmental sustainability? *Structural Change and Economic Dynamics*, 54.
- Oosterbek, H., van Praag, M. & Ijsselstein, A. (2010). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation. *European Economic Review*, 54(3).
<https://doi.org/10.1016/j.euroecorev.2009.08.002>
- Qurbani, Sh. (2016). *Providing a model of the impact of intelligent leadership on organizational entrepreneurship with the mediating role of organizational culture*. P.hD., thesis of Entrepreneurship Management. Kermanshah State Management Institute. [in persian]
- Rengiah, P. (2019). *Effectiveness of entrepreneurship education in developing entrepreneurial intentions among Malaysian university students*.
- SayehVand, Z., Alami, F. & Shams, Morkani, G. (2020). Identifying ecosystem, opportunities and environmental of educational entrepreneurship. *Journal of Management Education in Organization*, 9(1). [in persian]
- Scanlan, M. (2011). Organizational Learning in Schools Pursuing Social Justice Fostering Educational Entrepreneurship and Boundary Spanning. *Scholar, Practitioner Quarterly*, 5(4).
- Sultanzadeh, V., Ardalan, M.R. & Ghanbari, C. (2019). Identifying the effective factors on

- educational entrepreneurship in the state universities of the country. *Innovation and creativity in humanities*, 10(1). [in persian]
- Warda, S.H. (2016). New educational services development: Framework for technology entrepreneurship education at universities in Egypt. *International Journal of Educational Management*, 30(5). <https://doi.org/10.1108/IJEM.11.2014.0142>
- Wu, Y.C., Wu, T. & Li, Y. (2017). Impact of using classroom response systems on students' entrepreneurship learning experience. *Computers in Human Behavior*, 92. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2017.08.013>
- Zolali, N., KhusraviPuor, B. & Zare, A. (2015). Problems from the perspective of agricultural employment Alumni Executives Document Type: Research Paper. *Agricultural Education Management Research*, 7(33). <https://doi.org/10.22092/JAEAR.2015.105818> [in persian]